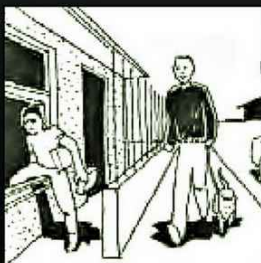
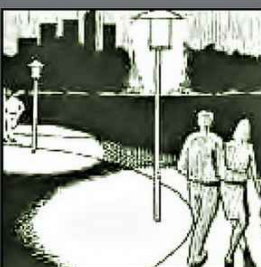
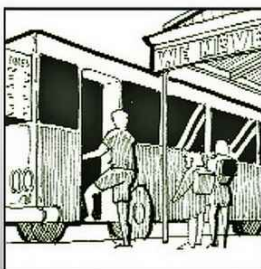


ترجمه

دکتر محسن کلانتری
سمیه قزلباش



محیط کالبدی و بزهکاری

رالف بی. تیلور
ادل وی. هارل



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

محیط کالبدی و بزهکاری

نوشته

رالف بی. تیلور

ادل وی. هارل

ترجمه

دکتر محسن کلانتری

عضو هیأت علمی دانشگاه زنجان

سمیه قزلباش

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری



نشر آذرکلیک
Azarkeik Publication

سرشناسه:	تیلور، رالف بی.
عنوان و نام پدیدآور:	Taylor, Ralph B. محیط کالبدی و بزهکاری / نوشته رالف بی. تیلور، ادل وی. هارل؛ ترجمه
مشخصات نشر:	محسن کلانتری، سمیه قزلباش
مشخصات ظاهری:	زنجان: آذرکلیک، ۱۳۸۹
شابک:	۱۲۳ ص: نمودار
وضعیت فهرست‌نویسی:	۲۹۰۰۰ ریال: ۸-۵-۹۱۲۲۱-۹۱۲۲۱-۶۰۰-۹۷۸
یادداشت:	فیبیا
یادداشت:	عنوان اصلی: Physical Environment and Crime
یادداشت:	نمایه
موضوع:	کتابنامه: ص. [۸۷] - ۹۴
موضوع:	جرم‌شناسی
موضوع:	جرم و جنایت -- پیشگیری
موضوع:	روان‌شناسی محیط‌زیست
موضوع:	انسان -- تأثیر محیط
شناسه افزوده:	هارل، ادل
شناسه افزوده:	Harrell, Adele
شناسه افزوده:	کلانتری، محسن، ۱۳۴۸-، مترجم
شناسه افزوده:	قزلباش، سمیه، ۱۳۶۲-، مترجم
رده بندی کنگره:	۱۳۸۹ م ۳ ت/۶۰۲۵ HV
رده بندی دیویی:	۳۶۴
شماره کتاب شناسی ملی:	۲۱۰۶۷۹۲



نشر آذرکلیک
Azarkeik Publication

محیط کالبدی و بزهکاری

نوشته: رالف بی. تیلور و ادل وی. هارل
ترجمه: دکتر محسن کلانتری، سمیه قزلباش
ویرایش: مریم کلانتری
طرح جلد: نصیبه عباسی
صفحه‌آرایی: سارا رستمی
سال چاپ: ۱۳۸۹
ناشر: نشر آذرکلیک
قیمت: ۲۹۰۰ تومان
حق چاپ محفوظ است.
پخش: آذرکلیک

زنجان، خیابان شهدا، ساختمان کوروش ۱۴، واحد ۲۱
تلفن: ۰۲۴۱-۰۲۶۲۱۳۱ - ۰۲۴۱ دورنگار: ۰۲۴۱-۰۲۵۸۸۵۷

درباره‌ی نویسندگان

”رالف بی. تیلور“^۱ استاد دانشگاه تمپل^۲ در رشته‌ی دادگستری
کیفری^۳ است. وی فارغ‌التحصیل دوره‌ی دکتری در رشته‌ی روانشناسی
اجتماعی^۴ از دانشگاه جان هاپکینز^۵ به سال ۱۹۷۷ است.
”ادل وی. هارل“^۶ پژوهشگر ارشد^۷ مؤسسه‌ی شهری^۸ است. او دارای
درجه دکتری در رشته‌ی جامعه‌شناسی^۹ از دانشگاه جورج واشنگتن^{۱۰} در
سال ۱۹۸۳ است.

-
1. Ralph B. Taylor.
 2. Temple University.
 3. Criminal Justice.
 4. Social Psychology.
 5. John Hopkins University.
 6. Adele V. Harrell.
 7. Senior Research Associate.
 8. Urban Institute.
 9. Sociology.
 10. George Washington University.

صفحه	فهرست مطالب
۱۱	پیشگفتار مترجمین
۲۵	۱. سرآغاز
۲۷	۲. پذیرش یک رویکرد منطقی
۳۱	۳. مرور اجمالی چهار رویکرد
۳۱	۳.۱. نوع طراحی مسکن یا نوع طرح‌ریزی بلوک‌های شهری
۳۲	۳.۲. الگوهای کاربری اراضی و نحوه‌ی پراکندگی آنها
۳۲	۳.۳. عناصر تعیین قلمرو
۳۳	۳.۴. رو به ویرانی نهادن محیط کالبدی
۳۷	۳.۵. گزارش‌هایی از موفقیت
۳۷	۳.۱.۵. طراحی ساخت و سازهای مسکونی ایمن‌تر
۳۸	۳.۲.۵. مانع‌گذاری و تغییر الگوی خیابان‌ها
۳۸	۳.۳.۵. کنترل دسترسی
۳۹	۳.۴.۵. ساخت مکان‌های عمومی ایمن‌تر
۴۱	۴. نوع طراحی ساخت و سازهای مسکونی و طرح‌ریزی بلوک‌های شهری
۴۴	۴.۱. تجربه‌های عملی
۴۴	۴.۲. محدودیت‌ها
۴۷	۵. الگوهای کاربری اراضی و نحوه‌ی پراکندگی آنها
۴۷	۵.۱. سطح همسایگی
۵۰	۵.۱.۱. تجربه‌های عملی
۵۲	۵.۲. سطح بلوک‌های خیابانی
۵۵	۵.۲.۱. تجربه‌های عملی
۵۹	۶. نشانه‌های تعیین حدود قلمرو ساکنین

صفحه	فهرست مطالب
۶۰	۱. ۶. تجربه‌های عملی
۶۱	۲. ۶. محدودیت‌ها
۶۳	۷. کنترل بی‌نظمی‌ها و رو به ویرانی نهادن محیط کالبدی
۷۱	۱. ۷. تجربه‌های عملی
۷۲	۲. ۷. محدودیت‌ها
۷۷	۸. موضوعات تحت بررسی
۷۸	۱. ۸. توالی ارتباط بین تغییر محیط کالبدی و وقوع ناهنجاری ...
۷۸	۲. ۸. چگونگی ویژگی‌های ساختاری و خصیصه‌های فرهنگی و اجتماعی ...
۷۹	۳. ۸. تأثیر محیط‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بزرگ‌تر بر خطر وقوع ...
۸۱	۴. ۸. رو به ویرانی بودن خانه‌ها و بدون سکنه بودن آنها، الگوهای کاربری ...
۸۳	۹. نتیجه‌گیری
۸۵	فهرست منابع
۹۵	واژه‌نامه
۹۷	واژه‌نامه‌ی انگلیسی - فارسی
۱۰۷	واژه‌نامه‌ی فارسی - انگلیسی
۱۱۷	تارنماهای مرجع و مرتبط با جرم‌شناسی محیطی

فهرست اشکال

۴۳	شکل شماره‌ی ۱. نسل دوم دیدگاه فضای مقاوم در برابر بزهکاری
۴۶	شکل شماره‌ی ۲. شاخص‌های چشم‌انداز، پنهان شدن و رهایی از بزهکاری
۶۶	شکل شماره‌ی ۳. نگرش پنجره‌های شکسته

پیشگفتار مترجمین

بی‌تردید شناسایی عوامل بروز بزهکاری، نخستین گام مبارزه با کجروی‌های اجتماعی است، چراکه با از بین بردن این عوامل یا کاهش اثرات آن می‌توان از ارتکاب بزه پیشگیری نمود و یا حداقل از میزان آن در جامعه کاست.

صاحب‌نظران عوامل بروز بزهکاری را به دو دسته اصلی عوامل درونی یا فردی و عوامل بیرونی یا محیطی طبقه‌بندی نموده‌اند. در این طبقه‌بندی منظور از محیط، مفهوم عام آن یعنی محیط‌های طبیعی و فضا‌های ساخته‌ی دست بشر است. با عنایت به تعریف رایج جغرافیا به عنوان علم مطالعه‌ی انسان، محیط و روابط متقابل آنها، جایگاه ارزشمند پژوهش‌های کاربردی بر پایه‌ی علم جغرافیا جهت شناسایی بزهکاری و بررسی رابطه و نقش عوامل محیطی و مکانی در بروز ناهنجاری‌های اجتماعی به خوبی آشکار می‌گردد.

از آنجا که رابطه‌ی انسان با هر محیط جغرافیایی، به وسیله‌ی مجموعه کنش‌های او نمود می‌یابد، از این رو، مجموعه رفتارهای بشر، با تمامی امکانات و شرایطی که محیط در اختیار او قرار می‌دهد، سنگ‌بنای

این رابطه را شکل می‌دهد. انسان با توجه به سطح آگاهی، دانش و توان فنی خود به دخل و تصرف در محیط می‌پردازد و این شرایط محیطی است که حدود و نحوه‌ی عمل و شیوه‌های رفتاری او را مشخص می‌نماید.

به طور کلی تمامی ناهنجاری‌ها و مفاصد اجتماعی مخالف ارزش‌های هر جامعه که تحت عنوان "بزه" یا "جرم" شناخته می‌شود، به هر نحو که از انسان سر بزند دارای بستر زمانی و مکانی است، بنابراین از دیدگاه جغرافیایی، هر بزه به وسیله‌ی انسان در مقطع خاصی از زمان یا مکان رخ می‌دهد، به بیان دیگر تمامی اعمال مجرمانه دارای ظرف مکانی و زمانی منحصر به فردی است که این اعمال را از یکدیگر متمایز می‌سازد، مهم‌تر اینکه تفاوت در شرایط مکانی و خصوصیات رفتاری، در کنار عامل زمان، توزیع فضایی نابرابر جرایم را در محیط‌های جغرافیایی در پی دارد و همین امر سبب می‌شود تا در واحد مکان، ناهنجاری‌های اجتماعی به طور یکسان پراکنده نباشد.

نکته‌ی حائز اهمیت دیگر اینکه در برخی از محیط‌های جغرافیایی، به همراه ویژگی‌ها و مشخصات اجتماعی، اقتصادی ساکنین آن، آمار ناهنجاری بالاست و برخی محیط‌ها مانع و عامل بازدارنده‌ی فرصت‌های مجرمانه هستند.

بررسی‌های مکانی محل وقوع بزهکاری نشان می‌دهد، بزهکاران در ارتکاب عمل مجرمانه‌ی خود اغلب دست به انتخاب‌های کاملاً منطقی می‌زنند و به دنبال محیط‌هایی برای بزهکاری هستند که ساده‌ترین، کم‌خطرترین و مناسب‌ترین فرصت‌ها و شرایط برای ارتکاب بزه داشته

باشد، بنابراین با شناسایی ویژگی‌های مکانی به وجود آورنده یا تسهیل‌کننده‌ی فرصت‌های بزهکاری می‌توان این شرایط را تغییر داد و فضاهای مقاوم در برابر بزهکاری خلق نمود و بدین طریق میزان ناهنجاری‌های شهری را کاهش داد.

بدون شک رشد انفجاری شهرها مشکلات بسیاری برای بشر امروز به همراه داشته است که مهم‌ترین آن عدم تعادل و توازن رابطه‌ی انسان و فضای شهری است. همچنین افزایش نامطلوب جمعیت شهری دولتمردان و به ویژه مدیران شهری را در تأمین نیازها و خدمات اولیه و حل مشکلات و معضلات شهر، با موانع بسیار مواجه ساخته است و همین امر موجب شده است تا شهر و شهرنشینی و بررسی‌های مربوط به آن، به عنوان یک موضوع چندرشته‌ای^۱ مورد توجه متخصصین و کارشناسان رشته‌های مختلف علمی قرار گیرد.

در بین مسائل و مشکلات شهر و شهرنشینی، یکی از پیچیده‌ترین و ناراحت‌کننده‌ترین مسائل، نرخ بالای جرم و جنایت و افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی است.

بروز انواع جرم و ناهنجاری، علاوه بر ایجاد حس ناامنی و بدبینی بار سنگین روحی و جسمی و مالی بر دوش جامعه، دولت و تشکیلات قضایی کشور می‌گذارد. این مشکل از یک سو موجب ناامنی، دلهره، هراس و آشفتگی زندگی شهروندان می‌شود و از سوی دیگر سلامت شهر را به خطر می‌اندازد و نظام قضایی و انتظامی کشورها را وادار می‌سازد تا بودجه‌ی کلانی را صرف کشف جرم، تعقیب و دستگیری و

1. Multidiscipline.

نگهداری بزهکاران، رسیدگی‌های قضایی و مجازات آنها نمایند.

یکی از مشکلات نظام قضایی کشور ما و بسیاری از کشورهای جهان در مقطع کنونی این است که در بیشتر موارد، به جای مبارزه با بزهکاری به گونه‌ای انتزاعی و مجرد با بزهکار مقابله می‌شود و پدیده‌ی بزهکاری جدای از بزهکار و شرایط مکانی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر او در نظر گرفته می‌شود. در این رویکرد، کمتر به شخصیت و هویت فردی متهم و شرایط محیطی حاکم بر زندگی او و عوامل پیچیده و درهم تنیده‌ای که سبب بزهکاری او شده است، توجه می‌شود. بی‌شک اگر شرایط مختلف اجتماعی، اقتصادی مجرم و محیط زندگی او در ارتکاب بزه مورد تعمق قرار گیرد، نتیجه شکل دیگری به خود خواهد گرفت.

اگر بتوان امکان ارتکاب جرم و فرصت‌های کجروی را از جنبه‌های مختلف مکانی، قضایی و اجتماعی از مرتکب آن گرفت و یا میزان این فرصت‌ها را کاهش داد، جامعه خیلی سریع‌تر راه سلامت را خواهد پیمود و نرخ تبهکاری به شکل مؤثرتری کم خواهد شد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد، پیشگیری از بزهکاری و تلاش برای کاهش میزان آن، با افزودن به تعداد نیروهای پلیس و توسعه‌ی تشکیلات قضایی و دادگستری، وضع قوانین محدودکننده‌تر، اعمال مجازات‌های شدیدتر و اتخاذ تدابیر شدید امنیتی، چندان ثمربخش نیست و به طور قطع تا عوامل بزهکاری در جامعه موجود باشد، مبارزه با بزهکار به عنوان معلول چندان ثمری ندارد. به همین سبب در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، گرایش قابل توجهی به بررسی‌های علمی پیرامون جرم و جنایت و مجموعه شرایط و اوضاع و احوال مؤثر در کجروی‌های

اجتماعی پیدا شده است. به ویژه طی چند سال اخیر علاقه‌ی فزاینده‌ای به آسیب‌شناسی مکانی، فضایی بروز انواع ناهنجاری‌های شهری در مجامع علمی جهان شکل گرفته است. نکته‌ی بسیار حائز اهمیت در این زمینه نقش بررسی‌های جغرافیایی در تحلیل فضایی بزهکاری است. اگر این حقیقت ساده مورد توجه قرار گیرد که پراکنش بزهکاری در یک محیط جغرافیایی تصادفی نیست و این توزیع از برخی ویژگی‌ها و شرایط خاص پیروی می‌کند و با توجه به توانمندی‌های جغرافیا به عنوان علم تحلیل پراکندگی فضایی پدیده‌ها، به خوبی امکان بررسی‌های علت‌شناسی جرم از دیدگاه جغرافیایی فراهم می‌شود.

گرچه سابقه‌ی پژوهش در زمینه‌ی جغرافیای بزهکاری را به بوم‌شناسان اجتماعی فرانسوی یعنی "کیتله"^۱ و "گری"^۲ در نیمه‌ی اول قرن نوزدهم نسبت می‌دهند و گفته می‌شود نخستین کتاب در زمینه‌ی "جغرافیای" جنایت به عنوان شاخه‌ی جدید در دانش جغرافیا در سال ۱۹۷۴ توسط "کیت هریس"^۳ استاد جغرافیا در دانشگاه ایالتی اوکلاهما منتشر شده است، اما بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد، اندیشه و تفکر پیرامون تأثیر محیط جغرافیایی بر ناسازگاری‌های اجتماعی، قدمت بسیار طولانی دارد.

از دیرباز فلاسفه و اندیشمندان مباحث مفصلی را به این موضوع اختصاص داده‌اند و تا به امروز این مطالعات ادامه داشته است، گرچه توجه و علاقه به تحلیل فضایی، مکانی جرایم و به طور کلی بررسی

1. Quetelet.

2. Guerry.

3. Kate Harris.

رابطه‌ی متقابل مکان و بزهکاری طی چند سال اخیر و به ویژه در دهه‌ی پایانی قرن گذشته در محافل علمی جهان بسیار بیشتر شده است.

در مقام مقایسه، تفاوت اساسی بین مطالعات قبلی جغرافیای بزهکاری و بررسی‌های کنونی مشاهده می‌شود، با کمی تعمق در مطالعات گذشته می‌توان دریافت در این بررسی‌ها بیشتر بر عوامل محیط طبیعی مانند آب و هوا، باد، دما، کوه، دریا، دشت، عرض جغرافیایی و... و تأثیر آن بر انسان و رفتار او تأکید شده است، این در حالی است که در پژوهش‌های کنونی، عوامل مربوط به محیط انسان‌ساخت و محیط‌های اجتماعی و فرهنگی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

طبق عقیده‌ی غالب "بزه" بیش از آنکه پدیده‌ای جبرگرایانه و ناشی از عوامل قطعی و غیرقابل تغییر محیط طبیعی باشد، پدیده‌ای اجتماعی و متأثر از شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه و مکان جرم است.

پژوهش‌های "کنله" و "گری" در نیمه‌ی اول قرن نوزدهم که برای اولین بار بر پایه‌ی اصول و روش‌های علمی و ریاضی، پیرامون رابطه‌ی مکان و بزهکاری انجام گرفت، بسیاری از دانشمندان کشورهای مختلف جهان از جمله ایتالیا، فرانسه، آلمان و آمریکا را به خود جلب نمود و همین امر سبب شد تا جنبش‌های علمی نوین شکل گیرد.

تأثیر و اهمیت مطالعات و بررسی‌های "کنله" در زمینه‌ی جغرافیای بزهکاری تا حدی بود که در برخی منابع او را پدر آمار جنایی و از جمله پایه‌گذاران این رشته از جغرافیا معرفی نموده‌اند. گفته می‌شود پژوهش‌های "کنله" باعث شد تا بزهکاری به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی

تابع دو متغیر زمان و مکان شناخته شود.

”کته“ به کمک اعداد و ارقام رابطه‌ی بین جرم و برخی متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی را نشان داد. این روند به وسیله‌ی متفکرین مکتب بوم‌شناسی اجتماعی شیکاگو در اوایل قرن بیستم ادامه یافت و برخی متغیرهای جمعیتی چون ساخت جنسی و سنی و اقتصادی نظیر درآمد و مشخصه‌های مکانی مانند محلات شهری یا محل سکونت بزهکاران در رابطه با وقوع بزهکاری در نظر گرفته شد.

در یک جمع‌بندی کلی شاید بتوان سیر تکوین پژوهش‌های جغرافیای جرم و جنایت را از گذشته تا به امروز، به سه دوره‌ی زیر خلاصه نمود:

دوره‌ی اول: تأثیر عوامل محیط طبیعی چون آب و هوا، باد، دما، عرض جغرافیایی، کوه، دشت و دریا و... در رابطه با کجروی‌های بشری موضوع مطالعات جغرافیای جرم در این دوره را تشکیل می‌دهد. در واقع این مطالعات با رویکردی جبرگرایانه، ناهنجاری‌های اجتماعی را به عوامل محیطی نسبت می‌دهد.

دوره‌ی دوم: ”گری“ و ”کته“ در سال ۱۸۳۳ میلادی نخستین پژوهش‌های علمی جغرافیای جرم را با بهره‌گیری از اندیشه‌های بوم‌شناسی اجتماعی انجام دادند. آنها به تشریح میزان جرم در رابطه با شرایط اجتماعی و سکونتی مختلف پرداختند. به نظر می‌رسد اولین نقشه‌های جرم به وسیله‌ی این دو نفر ترسیم شده باشد.

دوره‌ی سوم: آغاز این دوره به دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی بازمی‌گردد. در این دوره علاقه و توجه فزاینده‌ای به پژوهش‌های مربوط به مکان و جرم در محافل علمی جهان صورت گرفت. به نظر می‌رسد موارد زیر

مهم‌ترین دلایل این توجه بوده است:

- افزایش قابل توجه میزان جرم و جنایت و ناهنجاری‌های اجتماعی در اکثر شهرهای جهان؛
- پیشرفت‌های فنی ابزارهای پژوهش جغرافیا و از جمله سامانه‌ی اطلاعات جغرافیایی در سال‌های اخیر موجب شد تا این ابزار در بررسی‌های جغرافیایی جرایم شهری در زمینه‌ی ذخیره‌سازی، تلفیق و تحلیل فضایی بزهکاری به کار گرفته شود؛
- توسعه‌ی علمی رویکردهای مکانی تحلیل بزهکاری در بررسی‌های جغرافیایی. از مهم‌ترین این نگرش‌های جدید می‌توان به دیدگاه پنجره‌های شکسته، سفر مجرمانه، کانون‌های جرم‌خیز، الگوی جرم، فضای مقاوم در برابر بزهکاری، پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی، فعالیت روزمره و انتخاب منطقی اشاره نمود که تمامی آنها طی چند دهه‌ی اخیر مطرح شده‌اند.

امروزه با تلفیق و ترکیب دیدگاه‌ها و رویکردهای فضایی و مکانی و به کمک ابزار و فنون جدید دستیابی به نتایج دقیق‌تر و با سرعت عمل قابل ملاحظه امکان‌پذیر شده است. این یافته‌ها کمک مؤثری به پیشگیری از بزهکاری از طریق طراحی مناسب‌تر محیط‌های شهری همراه با امکان کنترل اجتماعی و غیررسمی، شناسایی کانون‌های جرم‌خیز و کنترل بهتر این مکان‌ها و تغییر آنها به فضاهای مقاوم در برابر بزهکاری نموده است. افزون بر این، از طریق دیدگاه‌های فوق امکان پیش‌بینی و کشف محل تقریبی سکونت مجرمین با توجه به دو عامل فاصله و مکان وقوع جرم فراهم شده است.

گفتنی است به دلیل جدید بودن موضوع و اینکه بررسی‌های مربوط به تحلیل بزهکاری در کشور، بیشتر در حوزه‌ی علوم جامعه‌شناسی، حقوق جزا و روان‌شناسی انجام گرفته است، رشته‌ی جغرافیا آن‌گونه که باید نتوانسته است جایگاه خود را در زمینه‌ی علت‌یابی مکانی، فضایی بروز بزهکاری استحکام بخشد، لذا بیشتر تحقیقات در زمینه‌ی جرم‌شناسی در کشور با تکیه بر نگرش‌های جامعه‌شناختی، حقوقی و روان‌شناختی انجام گرفته است.

ورود ایده‌های نو در جغرافیا طی سال‌های اخیر، تأثیر زیادی در پژوهش‌های کاربردی این علم داشته است. بهره‌گیری از تحلیل‌های فضایی^۱، مدل‌سازی، به‌کارگیری روش‌های کمی و تئوری‌های مکانی و همچنین استفاده از ابزارهای پیشرفته‌ی رایانه‌ای برای ذخیره‌سازی، لایه‌بندی و تلفیق، تحلیل و نمایش اطلاعات جغرافیایی در بررسی مسائل بشر امروز، ارج و اعتبار خاصی به این رشته داده است.

جغرافیای شهری به عنوان یکی از گرایش‌های اصلی جغرافیا از این تحولات بی‌تأثیر نبوده است. امروزه بررسی‌های جغرافیای شهری به مرزهای جدید وارد شده و افق‌های تازه‌ای را در زمینه بررسی مسائل شهر تجربه می‌کند.

توجه به کیفیت زندگی، رفاه، توزیع عادلانه درآمد و امکانات، توجه به تأثیر فضا و ساخت و سازهای شهری در کنش‌های فردی و اجتماعی، بررسی جغرافیایی بزهکاری و جنایت و کجروی‌های اجتماعی و همچنین طراحی محیط شهری برای پیشگیری از بزهکاری و کاهش

1. Spatial Analysis.

سطح جرایم شهری از این جمله است.

آنچه در بررسی جغرافیای بزهکاری اهمیت دارد، رابطه‌ی محیط با رفتارهای اجتماعی است، در واقع این موضوع که طی دو دهه‌ی اخیر به مطالعات جغرافیایی افزوده شده است، چارچوب عملی برای تحلیل فضایی و مکانی جرم و مطالعه‌ی رابطه‌ی ناهنجاری با فضا و زمان فراهم نموده است.

به طور کلی در این مطالعات چگونگی پیدایش، کیفیت و نحوه‌ی پراکندگی اعمال مجرمانه در محیط جغرافیایی مورد بررسی قرار می‌گیرد و به کمک نمایش فضایی اعمال مجرمانه و تلفیق این اطلاعات با داده‌های مکانی محل ارتکاب جرایم و شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی مجرم و محل سکونت او، امکان شناسایی کانون‌های جرم‌خیز^۱ و پیش‌بینی محل‌های احتمالی وقوع ناهنجاری فراهم می‌شود. در نهایت این اطلاعات به شکل مؤثری می‌تواند به کاهش میزان ارتکاب جرایم کمک نماید.

در جغرافیای بزهکاری به چهار عامل کلیدی قانون^۲، بزهکار^۳، بزه‌دیده^۴، (شی یا شخص) و مکان ارتکاب بزه^۵ یعنی محدوده‌ی خاص زمانی و مکانی که وقایع مجرمانه در آن اتفاق می‌افتد، تأکید می‌شود.

-
1. Hot Spots.
 2. Law.
 3. Offender.
 4. Target, Victim.
 5. Place.

الف) قانون: مجموعه ضوابطی است که برای نظم و نسق بخشیدن به نوع و شکل رفتار و اعمال انسانی در روابط افراد جامعه، دولت و مردم، سازمان‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی با یکدیگر وضع می‌شود و در واقع این قوانین هستند که اعمال مجرمانه و رفتارهای ناهنجار را تعیین و تعریف می‌نمایند. علاوه بر این چهار مشخصه‌ی اصلی عمومی و کلی، الزام‌آور بودن و ضمانت اجرایی آن توسط قوه‌ی حاکمه باعث می‌شود تا تخطی از قانون، جرم محسوب شده و عامل آن تحت تعقیب کیفری قرار گیرد و به عنوان مجرم مجازات شود.

ب) بزه‌کار: کسی است که مرتکب جنایت یا یکی از جرایم تصریح شده در قانون شود، به دیگر سخن انجام عمل مجرمانه توسط هر فرد جامعه موجب تولد مجرم می‌شود.

ج) بزه‌دیده: بزه‌کاران در رفتار ناهنجار خود هدفی را دنبال می‌کنند که این هدف می‌تواند هر شی منقول یا غیرمنقول و یا افراد دیگر اجتماع باشد.

د) مکان ارتکاب بزه: هر جرم به وسیله‌ی انسان در مقطع زمانی و مکانی خاصی رخ می‌دهد به دیگر سخن تمامی ناهنجاری‌های اجتماعی به هر صورت که انجام شود دارای ظرف مکانی و زمانی منحصر به فردی است که آن را از دیگر رفتارها متمایز می‌سازد. نکته‌ی حائز اهمیت اینکه تفاوت در شرایط مکانی و خصوصیات رفتاری و در کنار عامل زمان باعث می‌شود تا جرم و جنایت در واحد مکان توزیع فضایی یکسانی نداشته باشد.

آنچه مسلم است برخی مکان‌ها به دلیل ساختار کالبدی خاص و همچنین ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی ساکنین آن امکان و فرصت بیشتری برای وقوع جرم دارند، در نقطه‌ی مقابل برخی مکان‌ها مانع و بازدارنده‌ی فرصت‌های مجرمانه هستند و همین امر موجب می‌شود تا بزهکاران در انتخاب محل ارتکاب بزه خود به دنبال کم‌خطرترین و مناسب‌ترین فرصت‌ها و شرایط مکانی برای ارتکاب عمل مجرمانه باشند. بنابراین شناسایی شرایط مکانی بوجود آورنده و تسهیل‌کننده‌ی این فرصت‌ها و ارائه‌ی رهنمود برای تغییر این شرایط و تبدیل آن به فضاهای مقاوم در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی از مهم‌ترین اهداف بررسی‌های جغرافیای بزهکاری محسوب می‌شود. در این مطالعات سعی می‌شود ضمن بررسی توزیع فضایی اعمال مجرمانه و تحلیل آن، وابستگی میان عوامل محیطی و شرایط اجتماعی، اقتصادی مکان‌های جرم‌خیز در محدوده‌های جغرافیایی مشخص شود. از طرفی با تهیه‌ی نقشه‌های جرم، رابطه‌ی فضای زندگی و حوزه‌های اجتماعی با رفتارهای ناهنجار مشخص می‌شود و امکان پیش‌بینی مکان احتمالی وقوع انواع جرایم فراهم می‌گردد.

از مجموع مطالب فوق می‌توان دریافت محیط و یا فضای زندگی مردم در سطوح مختلف کشور، استان، شهر، روستا و منزل به وسیله‌ی نظام‌های اجتماعی بر بستر محیط طبیعی ساخته می‌شود و زندگی روزمره‌ی مردم عموماً از طریق مواجهه و تعامل با دیگران شکل می‌گیرد و تمامی این تعاملات در انواع مختلف فضا رخ می‌دهد. لذا نقش و تأثیر فضاهای زندگی در هر سطح که باشد، در نوع زندگی و رفتار افراد

جامعه اهمیت بسزایی دارد. ضمن اینکه فاصله‌های مکانی بین مردم، نوع فضاهای محیط کالبدی، نحوه‌ی تقسیم و تخصیص این فضاها به فعالیت‌های اجتماعی می‌تواند شکل رفتار و فرآیندهای اجتماعی را تغییر دهد.

به عبارت دیگر اگرچه محیط کالبدی خود معلول و ساخته و پرداخته‌ی اراده‌ی انسانی است، لیکن به عنوان یک عامل مهم می‌تواند قوانین مسلط خود را بر ساکنینش تحمیل نماید و رفتارهای انسانی را تحت تأثیر خود قرار دهد.

”شهر“ مظهر و نماد تکامل زندگی اجتماعی است. تمامی دستاوردهای مالی و معنوی و بالندگی فکری و فرهنگی انسان در شهر تبلور می‌یابد. به نظر می‌رسد همزمان با رشد اندازه، فضا و جمعیت شهر و عدم تناسب بین فضای شهری و ساکنین آن و ناهمگونی امکانات موجود و نیازها باعث می‌شود تا برخی نیروهای منفی برای بروز رفتارهای ناهنجار در ساخت اجتماعی و کالبدی محیط‌های شهری شکل گیرد. این امر موجب کمرنگ شدن کنترل‌های اجتماعی و سستی پیوندهای عاطفی بین افراد می‌شود و مفساد اجتماعی در محیط شهرها سهل‌تر به وقوع می‌پیوندد.

نکته‌ی مهم، توجه به مشخصه‌های کالبدی برخی مناطق شهر در بروز کجروی‌های اجتماعی است. چراکه خصیصه‌های کالبدی حاکم بر نواحی خاص شهر در بروز کجروی‌های اجتماعی تأثیر غیرقابل انکاری دارد. در کتاب حاضر، نوشته‌ی ”رالف بی. تیلور“ و ”ادل وی. هارل“، تأثیر متقابل فضا و محیط کالبدی و ساخت و سازهای شهری در بروز

کنش‌های فردی و جمعی مطالعه شده است.

آنچه در این نوشتار مورد تأکید قرار گرفته است، تأثیر نوع و نحوه طراحی کالبدی فضاهاى شهری به منظور پیشگیری از بزهکاری است. موضوعی که طی سی سال گذشته در ادبیات شهرسازی کشورهای توسعه یافته جایگاه ارزنده‌ای یافته است.

هدف از این طراحی یا بازطراحی محیط کالبدی شهرها ضمن پیشگیری از بزهکاری، کاهش مسائل مهم زندگی امروز شهرها یعنی کاهش احساس ترس و ناامنی شهروندان است. مطابق این نگرش با طراحی مناسب محیطی و با به‌کارگیری اصول و فنون مقاوم‌سازی فضا در برابر بزهکاری می‌توان سطح کیفیت و رفاه اجتماعی را در جامعه‌ی شهری ارتقا بخشید، مهم‌تر اینکه با استفاده از راهبرد تعیین حدود قلمرو و افزایش حس تعلق شهروندان نسبت به محیط‌های خصوصی و عمومی، امکان مشارکت‌جویی از شهروندان برای دستیابی به ایمنی پایدار شهری و ساخت شهرهای عاری از جرم فراهم می‌شود.

در این کتاب ضمن مطالعه‌ی رابطه‌ی متقابل محیط و بزهکاری و مطالعه‌ی تأثیر ویژگی‌های محیطی بر احساس ترس و ناامنی شهروندان، مهم‌ترین ویژگی‌های کالبدی محیط در چهار گروه اصلی طبقه‌بندی شده است. این چهار گروه شامل، نوع طراحی مسکن و بلوک‌های شهری، الگوهای کاربری اراضی شهری، ویژگی‌های قلمروگرایی ساکنین و ناهنجاری‌های کالبدی ناشی از تباهی محیط می‌باشد.

امید است ترجمه‌ی این اثر برای مدیران، برنامه‌ریزان و دیگر دست‌اندرکاران برقراری نظم و امنیت در سکونتگاه‌های شهری و

روستایی کشور و همه‌ی کسانی که در جستجوی ساخت شهرهای ایمن و سالم در میهن عزیزمان ایران هستند، مفید فایده باشد. مترجمین سپاسگزار همکاران خود در انتشارات آذرکِلک هستند که در مراحل مختلف چاپ و نشر این اثر، آنها را یاری کرده‌اند.

محسن کلانتری^۱، سمیه قزلباش^۲

تابستان ۱۳۸۹

1. mohsenkalantari@yahoo.com
2. somaye_ghezelbash@yahoo.com

Physical Environment and Crime

Ralph B. Taylor
Adele V. Harrell

Translated by: Dr. Mohsen Kalantari
Somaye Ghezlbash

مطالعه‌ی رابطه‌ی متقابل محیط و عناصر تشکیل دهنده‌ی آن بر میزان بزهکاری، موضوع این کتاب است و تأثیر محیط کالبدی بر احساس ترس و ناامنی شهروندان بررسی شده است. بر این اساس، مهم‌ترین ویژگی‌های کالبدی محیط در چهار گروه اصلی نوع طراحی مسکن یا طرح‌ریزی بلوک‌های شهری، الگوهای کاربری ارضی شهری، ویژگی‌های قلمروگرایی ساکنین محلات و تباهی محیط کالبدی طبقه‌بندی و مطالعه شده است. پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی و به کارگیری اصول و فنون شهرسازی برای کاهش آسیب‌پذیری اجتماعی بخش دیگر این نوشتار است.

